

بازیابی و کاهش مطالبات معوق بانکی

بابک دایی

کارشناس ارشد علوم اقتصادی و مدیر کل امور اقتصادی و دارایی استان فارس

daei1971@yahoo.com

بابک چوبینه

کارشناس ارشد اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان فارس

babak827@yahoo.com

افزایش نکول تسهیلات ارائه شده توسط نظام بانکی مونته‌نگرو به خاطر بحران مالی اخیر، سبب وام‌های این بانک‌ها را تحت تاثیر قرار داده است که در نتیجه آن، ظرفیت ارائه تسهیلات و اعتبارات بانکی محدود می‌گردد و فعالیت اقتصادی بخش واقعی اقتصاد شامل بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان نیز مختل می‌شود. بیشتر بنگاه‌های تولیدی مونته‌نگرو با کمبود نقدینگی مواجه هستند و نکول وام آن‌ها تاثیر منفی روی رشد اقتصادی می‌گذارد. از طرفی، کاهش مخارج مصرف‌کنندگان ناشی از کاهش قدرت خرید آن‌ها باعث کاهش تقاضای کل می‌گردد. لذا، یک رویکرد جدید برای بازیابی و کاهش این نوع مطالبات معوق بانکی مورد نیاز است تا آثار منفی این وام‌ها روی اقتصاد را کاهش دهد. مرکز مشاوره‌ای بخش مالی بانک جهانی (FINSAC) که در وین مستقر است چندین شاخص و راهکار برای رفع این مشکلات پیشنهاد داده است. این طرح از طریق حمایت و بازیابی بدهکاران بانکی، نقش زیادی در افزایش توانایی مالی نظام بانکی و بهبود رشد اقتصادی ایفا می‌نماید. نوآوری پروژه در این است که تسهیلات معوق شده بانکی را به صورت کمی مورد ارزیابی و شناسایی دقیق قرار می‌دهد و به واسطه یک فرایند تجدید ساختاری، تسهیلات معوق شده از حالت معوق خارج و به جریان مالی نظام بانکی وارد می‌شوند. همچنین جهت بهبود فرایند مذکور، مشوق‌هایی نیز برای بدهکاران بانکی در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی: مطالبات معوق، تسهیلات تجدید ساختار شده، بازیابی بدهکاران، رشد اقتصادی

۱. مقدمه

علی‌رغم اینکه نظام بانکی در سیستم اقتصادی کشورهای SEE مورد نظارت شدید قانونی قرار دارند، اما به واسطه وقوع بحران مالی اخیر، بانک‌ها تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. بانک‌ها به دلیل نقش حساسی که در اقتصاد بر عهده دارند، باید تحت نظارت مداوم قرار گیرند و مجموعه دارایی‌های مالی آن‌ها مورد نظارت و رصد قرار گیرد، در غیر این صورت نظام اقتصادی با عواقب خطرناکی مانند افزایش مطالبات معوق بانکی مواجه می‌گردد. در این زمینه، مدیریت ریسک اعتباری از اهمیت زیادی برخوردار است و تسهیلات معوق باید با در نظر گرفتن معیارهای طبقه‌بندی به دسته‌های C، D و E طبقه‌بندی گردد.

در بسیاری از اقتصادهای جهان، نظام مالی رفتار موافق چرخه‌ای از خود نشان می‌دهد و نظام مالی مونته‌نگرو نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. در مرحله بهبود اقتصادی، تسهیلات ارائه شده توسط نظام بانکی باعث رشد GDP می‌گردد و در نتیجه تأثیر متقابل شرایط اقتصادی و نظام بانکی روی یکدیگر، این همسویی تقویت می‌شود و در دوره رونق اقتصادی، میزان سود بخش واقعی اقتصاد شامل بنگاه‌ها نظام بانکی و درآمد مصرف‌کنندگان افزایش می‌یابد. بالعکس در دوران رکود، این فرایند، آثار منفی یکدیگر را تقویت می‌کنند و منجر به بدتر شدن تراز مالی همه فعالان اقتصادی خصوصاً نظام بانکی می‌شوند. لذا، در دوره رکود، GDP کاهش می‌یابد و به دنبال آن، سود بخش واقعی و بانکی اقتصاد نیز کاهش می‌یابد و مصرف‌کنندگان نیز با کاهش درآمد و مخارج مواجه می‌گردند.

بحران مالی که بعد از یک دوره رونق و رشد اقتصادی اتفاق افتاد، باعث افزایش مطالبات معوق بانک‌های مونته‌نگرو گردید و با افزایش نااطمینانی در این زمینه، توانایی نظام بانکی برای اعطای تسهیلات بیشتر کاهش یافت. در اثر چنین شرایطی، شاخص‌های عملیاتی بیشتر بانک‌ها بدتر شده‌است و دارائی و سرمایه آن‌ها کاهش یافته‌است. این موارد در اثر بدهی مصرف‌کنندگان و بنگاه‌های تولیدی ایجاد شده‌است و فعالیت پویای بانک‌ها را دچار اختلال نموده‌است.

براساس سیاست مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها که دارائی بانک‌ها باید از یک حداقل ریسک برخوردار باشد، بانک‌ها ملزم گردیده‌اند که دارایی‌های خود را به صورت زیر طبقه‌بندی کنند:

جدول ۱. طبقه‌بندی وام‌ها براساس سطح ریسک

عنوان	طبقه	تعداد روز از سررسید گذشته	درصد ذخیره‌گیری	وضعیت
مطالبات معوق	A	۰-۳۰	۰	جاری
	B	۳۱-۹۰	۲-۷	حالت خاص
	C	۹۱-۲۷۰	۲۰-۴۰	نیمه استاندارد
	D	۲۷۱-۳۶۰	۷۰	مشکوک
	E	بیشتر از ۳۶۶ روز	۱۰۰	از دست رفته

مأخذ: بانک مرکزی مונته‌نگرو

سبد وام بانک‌های مونه‌نگرو به خاطر وقوع بحران مالی و افزایش مطالبات معوق و دارایی‌های سمی^۱ مختل گردیده است و بیشتر دارایی‌ها از حالت A و B به C و D منتقل شده‌است. علاوه بر این، افزایش تسهیلات از نوع E باعث ناتوانی بانک‌ها در ارائه خدمات بانکی شده است. در این مطالعه، مدیریت کارای تجدید ساختار بدهی‌های بنگاه‌های قابل دوام (می‌توان آن‌ها را از نظر عملکردی بهبود بخشید) با استفاده از شاخص‌های خاص در مونه‌نگرو مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مطالعه در سه بخش به همراه نتیجه‌گیری ارائه می‌شود. در بخش اول، داده‌های مربوط به اشکال مختلف تسهیلات معوق و ارتباط آن‌ها با کل تسهیلات معوق ارائه شده است. فصل دوم به ارائه مبانی و اهداف تجدید ساختار بدهی‌های بنگاه‌ها و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری این تغییرات ساختاری شرکتی و مالی و حل و فصل مورد به مورد سبد تسهیلات بانک‌ها اختصاص دارد و در بخش سوم، بکارگیری فرایند و آئین‌نامه‌های قانونی مرتبط با این تجدید ساختار و تاسیس مرکز داوری با حضور هیئت داوری (تصمیم‌گیری) و تعیین صلاحیت (کیفیت) وام‌ها ارائه می‌گردد.

^۱ مطالبات سوخت شده را دارائی سمی گویند.

۲. داده‌های موجود

یکی از علائم وجود بحران در نظام بانکی، در تئوری و عمل، این است که نسبت تسهیلات معوق شده به کل تسهیلات از ۱۰ درصد بالاتر رود. مطابق داده‌های موجود، در سال ۲۰۰۹، همزمان با رشد تسهیلات معوق، از میزان سپرده‌گذاری در نظام بانکی مونته‌نگرو به میزان زیادی کاسته شد که حاکی از وجود بحران در نظام بانکی بود. عدم شفافیت لازم داده‌های بانکی و احتمالاً گزارش سهم پایین تسهیلات معوق در تراز نامه برخی از بانک‌ها در سال‌های گذشته بیانگر عمق مشکلات بانکی مونته‌نگرو بود. در نیمه اول سال ۲۰۱۱، نسبت تسهیلات معوق به بیشترین مقدار خود معادل ۲۶ درصد رسید. در نیمه دوم سال با برخی از تغییرات تصنعی و ساختگی در بانک‌ها این نسبت به ۱۵ درصد کاهش یافت ولی در سال‌های بعد، مجدداً افزایش یافت.

افزایش نسبت مطالبات معوق، ارائه تسهیلات و عرضه اعتبار را به شکل معنی‌داری تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی که بانک‌ها مطالبات خود از بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان را دریافت نکرده‌اند، از نظر روانی، تمایل ندارند که تسهیلات جدید ارائه دهند. لذا، افزایش نسبت مطالبات معوق باعث کاهش تسهیلات، حاشیه سود و سرمایه و افزایش هزینه تأمین مالی می‌گردد. هزینه‌های تأمین مالی دلالت بر دریافتی‌های مورد نیاز برای پوشش زیان تسهیلات معوق دارند و با افزایش نسبت مطالبات معوق که با افزایش زیان و ناطمینانی همراه است، حق ریسک نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه آن، ارائه تسهیلات جهت تأمین مالی قرض‌گیرندگان کاهش می‌یابد.

جدول ۲. وضعیت سبب وام‌های نظام بانکی مونته‌نگرو (هزار دلار - درصد)

سال	کل وام	وام غیر قابل وصول و	کل وام سررسید گذشته و	وام تجدید ساختار شده
	درصد از کل	درصد از کل	درصد از کل	
۲۰۰۷	۲۲۴۵۶۰۰	۷۰۹۰۰	۸۳۲۰۰	-
۲۰۰۸	۲۷۹۷۵۰۰	۲۰۱۳۰۰	۳۲۱۵۰۰	-
۲۰۰۹	۲۳۹۷۷۰۰	۳۲۴۲۰۰	۵۴۸۰۰۰	۲۰۳۱۰۰
۲۰۱۰	۲۱۹۹۹۰۰	۴۶۱۳۰۰	۵۲۲۴۰۰	۲۹۵۱۰۰
۲۰۱۱	۱۹۵۵۷۰۰	۳۰۳۷۰۰	۳۷۷۹۰۰	۲۲۷۳۰۰
۲۰۱۲	۱۸۶۲۵۰۰	۳۲۷۸۰۰	۴۴۳۸۰۰	۳۱۲۷۰۰
۲۰۱۳	۲۲۴۱۳۰۰	۴۴۸۷۰۰	۵۰۱۲۰۰	۴۳۲۱۰۰

مأخذ: بانک مرکزی مونته‌نگرو

افزایش نسبت مطالبات معوق، حاشیه سود را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. بانک‌ها مجبور می‌شوند هزینه زیان مطالبات معوق را از طریق حاشیه سود جبران کنند. بنابراین، نرخ سود تسهیلات قرض داده شده افزایش می‌یابد به نحوی که از نرخ سود سپرده‌ها نیز بیشتر می‌باشد. این حالت در مورد بانک‌های مونته‌نگرو صادق است. لذا، برخی از بانک‌ها زیان ناشی از مطالبات معوق خود را از طریق افزایش حاشیه سود پوشش می‌دهند اگر چه تأیید تجربی آن دشوار است. بنابراین، در هر دو مورد اشاره شده، نرخ بهره تسهیلات افزایش و عرضه اعتبار و تسهیلات کاهش می‌یابد. در زیر، نرخ سود سپرده و تسهیلات بانک‌های مونته‌نگرو ارائه شده است.

از طرفی، وقتی نسبت مطالبات معوق افزایش می‌یابد، سرمایه بانک‌ها نیز کاهش می‌یابد. در این حالت، توانایی ارائه تسهیلات کاهش می‌یابد و اگر فوراً افزایش سرمایه ندهند یا از مازاد سرمایه‌ای برخوردار نباشند، عرضه تسهیلات با مشکلات زیادی مواجه می‌گردد. البته بانک‌های مونته‌نگرو در سال ۲۰۰۹ از طریق دخالت بانک‌های مادر و کاهش دارایی‌های سمی، سرمایه خود را افزایش دادند. از ۱۱ بانک موجود در مونته‌نگرو، ۹ مورد از مالکیت خارجی و ۲ مورد از مالکیت داخلی برخوردار هستند. تسهیلات معوق شده B، C و D حدود ۲۳ درصد تسهیلات معوق بانک‌های مونته‌نگرو را در سال ۲۰۰۹ تشکیل می‌دهند و در سال‌های اخیر به جز در سال ۲۰۱۱ که ترازنامه بانک‌ها دستکاری گردید، این نسبت افزایش یافته است.

جدول ۳. وضعیت وام‌های معوق به تفکیک زمان سررسید (هزار دلار)

سال	وام سررسید گذشته ۹۰-۳۱ روز	وام سررسید گذشته ۲۷۰-۹۱ روز	وام سررسید گذشته ۳۶۵-۲۷۱ روز	بیش از ۳۶۶ روز
۲۰۰۹	۳۲۳۷۰۰	۱۱۶۶۰۰	۱۰۷۷۰۰	۹۹۸۰۰
۲۰۱۰	۲۸۲۰۰۰	۱۷۱۱۰۰	۶۸۴۰۰	۲۲۰۸۰۰
۲۰۱۱	۲۲۶۰۰۰	۱۰۵۵۰۰	۴۶۲۰۰	۱۵۲۱۰۰
۲۰۱۲	۲۲۶۲۰۰	۱۵۷۸۰۰	۵۹۹۰۰	۱۱۰۱۰۰
۲۰۱۳	۱۵۶۸۰۰	۱۱۱۸۰۰	۵۰۲۰۰	۱۸۲۴۰۰

مأخذ: بانک مرکزی مونته‌نگرو

در مواجهه با این مشکلات، بانک‌ها با استفاده از راهکارهای تصنعی و آماری محاسباتی مانند تعدیل تاریخ سررسید تسهیلات، تغییر نرخ بهره یا کاهش اصل بدهی سعی کردند که نسبت مطالبات خود را کاهش دهند. با وجود این اقدامات، روند تغییرات نسبت مطالبات صعودی بود و در سال ۲۰۱۳ در مقایسه با سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به سطح بالاتری رسید. در زیر، روند تسهیلات مسالهدار و بازیابی شده ارائه می‌گردد.

۳. معرفی طرح اجرا شده در پودگوريسا

رفع مشکل تسهیلات معوق بانک‌ها نیازمند یک مدیریت کارا و حرفه‌ای و اقدامات قاطع و پیوسته در نظام بانکی مونته‌نگرو بود. جهت رفع این مشکلات، مقامات پولی و مالی مونته‌نگرو با کمک معاونت بخش مالی بانک جهانی یک مجموعه از شاخص‌ها را برای کاهش نسبت مطالبات معوق نظام بانکی مونته‌نگرو طراحی کردند. این طرح به ثبات مالی نظام بانکی و افزایش قدرت ارائه تسهیلات آن‌ها به بنگاه‌های قابل تداوم از نظر عملکردی کمک زیادی می‌کند. این پروژه براساس تجدید ساختار مالی و شرکتی، شرایطی را ایجاد می‌کند که براساس آن، بازپرداخت بدهی‌ها به موسسات مالی تسهیل می‌گردد.

۳-۱. تجدید ساختار مالی

تجدید ساختار مالی بر محور موارد زیر صورت می‌پذیرد:

- طراحی یک برنامه تجدید ساختاری برای هر وام فردی (حقیقی) که موارد زیر را شامل می‌شود:
 - اطلاعات مالی در خصوص فعالیت‌های تجاری و ضامن‌های قرض گیرنده.
 - ارزش گذاری میزان وثیقه‌های قرض گیرنده.
 - تعریف شاخص‌های مناسب برای تجدید ساختار مالی قرض گیرنده.
 - تعیین برنامه زمان‌بندی شده (تعیین اولتیماتوم) برای باز پرداخت بدهی به صورت قانونی.
- ارزیابی عملکرد مالی قرض گیرنده
- تعیین بدهی کل قرض گیرنده و میزان کشش و ظرفیت او در فرایند تجدید ساختار.
- ارائه یک وام جدید تحت یک ترتیبات تجدید ساختاری.
- ترتیبات تجدید ساختاری مورد اشاره براساس شاخصهای زیر صورت می‌پذیرد:
 - تمدید بازپرداخت اصل یا سود.

- کاهش نرخ بهره وام اعطا شده.
 - استفاده از دریافتی‌های قرض‌گیرنده (نسبت به شخص سوم) در ازای تمام یا بخشی از بدهی.
 - کاهش مقدار بدهی، اصل یا سود آن.
 - جایگزینی وام موجود با یک وام جدید
 - خرید اسناد دریافتی قرض‌گیرنده
 - در اختیار گرفتن وثیقه
 - معاوضه بدهی با دارایی
 - تسویه
- علاوه بر موارد فوق، مشوق‌هایی نیز برای بازپرداخت بدهی در نظر گرفته شده است:
- معافیت مالیاتی روی گردش مالی دارایی وقتی که بانک دارایی را در فرایند وصول وام بدست می‌آورد.
 - معافیت مالیاتی ارزش افزوده وقتی که قرض‌گیرنده دارایی خود را می‌فروشد.
 - معافیت مالیات درآمدی بعد از کسر کردن میزان بدهی به بانک.
- همچنین، این طرح، امکان ارائه یارانه توسط دولت روی نرخ بهره تسهیلات تجدید ساختار شده را فراهم می‌کند.

۳-۲. تجدید ساختار شرکتی

- تجدید ساختار شرکتی که به منظور بهبود عملکرد بنگاه‌ها صورت می‌پذیرد، به برخی از تغییرات ساختاری بنگاه‌ها مانند تغییر دارایی، سرمایه، مدیریت، هزینه و سازماندهی شرکت‌ها اشاره دارد. شرکت‌هایی که از عملکرد ضعیفی برخوردار بوده‌اند، ممکن است:
- از طریق تجدید ساختار هزینه‌های تولید خود به کارایی و سودآوری نائل شوند.
 - ساختار مدیریتی خود را از طریق عزل مدیریت موجود تغییر دهند.
 - دارایی خود را جهت بازپرداخت تعهدات خود بفروشند و یا جهت تغییر ساختار کسب و کار خود، در فعالیت‌های جدید سرمایه‌گذاری کنند.

۳-۳. تجدید ساختار تجارت (کسب و کار)

- فرایندی شامل تغییرات معنی‌دار در ساختار منابع مورد استفاده در شرکت
- تقسیم‌بندی فرایند

۳-۳-۱. استراتژی توسعه

این مرحله، به مواردی مانند ادغام بنگاه‌ها یا واحدهای تولیدی اشاره دارد.

۳-۳-۲. استراتژی قرارداد

این مرحله، شامل حذف یا جداسازی بخش تجاری (فروش) شامل واحد فروش، فروش یا خرید بخشی از شرکت توسط مدیریت می‌باشد.

استراتژی توسعه به منظور جذب سرمایه بیشتر صورت می‌پذیرد، درحالی‌که استراتژی قرارداد بر جریان نقدینگی و ساختار حقوق مالکیت شرکت اثر می‌گذارد.

بنابراین، در چارچوب طرح مذکور، تجدید ساختار مالی و شرکتی در دو مرحله انجام می‌شود. سبد وام‌های بدهکاران بانکی که در چارچوب مدیریت ریسک اعتباری به کلاس‌های مختلف تقسیم شده است، در مرحله اول تجدید ساختار می‌شود. سبدهای وام دیگر (سبد وام E) که از نظر ریسک اعتباری در کلاس پایین‌تر قرار دارند در مرحله بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پروژه ابتدا روی بخش فعال (زنده) سبد وام‌های نظام بانکی متمرکز می‌باشد و حل و فصل بخش غیر فعال سبدهای وام، بعد از تحقق اهداف بخش فعال سبدهای وام انجام خواهد شد.

براساس مطالعات تجربی، وام‌های معوق (کلاس‌های B، C و D) در دوره وقوع بحران مالی افزایش یافته‌اند. لذا، با توجه به اهمیت مشاهده آثار تجدید ساختار این وام‌ها، فرایند بازیابی این وام‌ها باید در اولویت قرار گیرد. سبد وام کلاس E در این مرحله مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

تا پایان سال ۲۰۱۲، سبد وام کلاس E در ترازنامه لحاظ نگردید (در ترازنامه خارج از خط^۱ لحاظ می‌شد) ولی از ژانویه ۲۰۱۳، بانک‌ها ملزم شدند که این نوع وام‌ها را در ترازنامه خود لحاظ کنند. یکی از نتایج این تغییر قوانین بانکی، افزایش تسهیلات غیر قابل وصول و تسهیلات سررسید گذشته بود.

^۱ . Off- Balance sheet

- پیش از طراحی نقشه حل و فصل تسهیلات معوق، براساس پیشنهادات FINSAC ابتدا سبد وام‌های B، C و D بر اساس مراحل زیر و به صورت جز به جز مورد بررسی قرار می‌گیرند:
- سبدهای وامی که از قابلیت وصول برخوردار هستند، مشخص می‌شوند
 - تجدید ساختار مالی (افراد حقیقی)
 - تجدید ساختار شرکتی
 - مجموعه سبدهای وامی که از قابلیت وصول برخوردار نیستند به مجموعه سبد وام غیر قابل وصول منتقل می‌شوند.
 - سبد وام‌های غیر قابل وصول که از نظر ساختاری قابل تجدید نیستند از طریق به اجرا گذاشتن وثیقه‌های آنها و راهکارهای قانونی و اجباری وصول می‌شود.
- لازمه مدیریت مناسب ریسک اعتباری، پذیرش استراتژی حل و فصل تسهیلات معوق توسط خود بانک‌ها می‌باشد و در این زمینه، باید موارد زیر را در نظر بگیرند:
- راه حل بازیابی وام‌های غیر قابل وصول:** برخی از وام‌ها قابلیت وصول دارند و بانک‌ها برآورد می‌کنند که می‌توانند این وام‌ها را از طریق تجدید ساختار مالی قابل تحمل وصول کنند. در این حالت، استراتژی و راه حل بازیابی وام‌ها موثر است.
- راه حل اجباری:** مربوط به حالتی است که بانک‌ها امیدی به وصول مطالبات خود ندارند و باید از طریق اقدامات قضایی و... اقدام کنند.
- بر خلاف موارد بالا، این مطالعه پیشنهاد می‌کند که بانک‌ها با در نظر گرفتن شاخص‌های بازیابی و حل و فصل وام‌ها، یک استراتژی برای حل و فصل وام‌های سررسید گذشته خود (B، C و D) را اجرا کنند و تجدید ساختار مالی و شرکتی را نیز لحاظ کنند. نتایج این مرحله به صورت زیر می‌باشد:

جدول ۴. شاخص بازیابی و حل و فصل وام‌های سررسید گذشته

شاخص بازیابی						
سبد D		سبد C		سبد B		
کسر بدهی	کل (درصد)	کسر بدهی	کل (درصد)	کسر بدهی	کل (درصد)	
	۲۵		۳۵		۴۰	تجدید ساختار مالی
۰	۰	۰	۱۰	۰	۳۰	آسان
۳۰	۱۵	۳۰	۲۰	۳۰	۱۰	متوسط
۳۰	۱۰		۵		۰	عمیق
	۷۰		۸۰		۸۵	درصد موفقیت در سال
	۱۰		۱۰		۱۰	تجدید ساختار شرکتی
۱۰	۰	۱۰	۵	۱۰	۱۰	آسان
۴۰	۵	۴۰	۵		۰	متوسط
	۵				۰	عمیق
	۷۵		۸۵		۹۰	درصد موفقیت در سال
شاخص حل و فصل						
	۱۵		۲۵		۵۰	بازیابی
	۰		۰		۳۰	اختیاری
	۱۵		۲۵		۲۰	جمع آوری فعالانه
	۵۰		۳۰		۰	جمع آوری اجباری

مأخذ: بانک مرکزی و محاسبات نویسنده

در این چارچوب، بانک‌ها قبل از بکارگیری تجدید ساختار مالی و شرکتی باید اهداف عملیاتی مرتبط با کاهش تسهیلات معوق خود را تعریف کنند و در راستای تعیین این اهداف باید زمان‌بندی معینی (تعیین اولتیماتوم یا زمان انقضا) برای انجام فعالیت‌های معین جهت حل و فصل وام‌های سررسید گذشته در نظر بگیرند. تعیین زمان انقضا برای موارد زیر صورت می‌گیرد:

- طبقه بندی وام‌ها به وام‌های قابل بازیابی و یا راه حل اجباری.
- تعیین شاخص‌های تجدید ساختار مالی و شرکتی برای وام‌های قابل بازیابی.
- ورود بانک برای عقد توافق یا فسخ تجدید ساختار.

● یک توافقنامه تجدید ساختاری موفق شامل موارد زیر است:

- یک توافقنامه تجدید ساختار براساس یک طرح تجدید ساختار مالی پذیرفته شده توسط بانک و قرض گیرنده منعقد می شود.
- اگر قرض گیرنده تمام تعهدات خود در زمینه تجدید ساختار سازمانی را مطابق توافقنامه انجام دهد.
- در مورد وام های اجباری که باید اقدامات قانونی صورت پذیرد. (اقدامات قضایی، تسویه غیر مرتبط با دستگاه قضایی، فروش اسناد دریافتی، به اجرا گذاردن وثیقه و نظایر آن).
براساس اقداماتی که توسط FINSAC در مورد چهار بانک صورت پذیرفت، در این مطالعه، ارزیابی کمی ریسک اعتباری براساس نظام بانکی مونته نگرو در سال ۲۰۱۲ به صورت زیر ارائه شده است.

جدول ۵. شاخص بازیابی و حل و فصل وام های سر رسید گذشته

شاخص بازیابی			
سید D	سید C	سید B	
۵۹۸۹۰	۱۵۷۸۳۰	۲۲۶۱۸۰	مقدار اولیه
۲۳۹۵۰	۹۷۰۶۰	۲۱۰۳۵۰	مقدار انتقال به سید A
۸۹۸۰	۳۹۴۶۰	۱۱۳۰۹۰	بازیابی
۱۰۴۸۰	۴۴۱۹۰	۷۶۹۰۰	تجدید ساختار مالی
۴۴۹۰	۱۳۴۲۰	۲۰۳۶۰	تجدید ساختار شرکتی
۵۶۹۰	13420	۱۱۳۰۰	درصد انتقال به سید E
۴۴۹۰	۹۴۷۰	۶۷۸۰	بعد از تجدید ساختار مالی
۱۲۰۰	۳۹۵۰	۴۵۲۰	تجدید ساختار شرکتی
شاخص حل و فصل وام ها			
۳۵۹۳۰	۶۰۷۷۰	۱۵۸۳۰	انتقال به سید D
۲۹۹۴۰	۴۷۳۵۰	۰	جمع آوری اجباری
۴۴۹۰	۱۱۰۵۰	۱۳۵۷۰	شکست در تجدید ساختار مالی
۱۵۰۰	۲۳۷۰	۲۲۶۰	شکست در تجدید ساختار شرکتی

شاخص‌های بازیابی			
۴۰	۶۲	۹۳	درصد انتقال به A
۶۰	۳۸	۷	درصد انتقال به D
۹	۸	۵	درصد انتقال به E

مأخذ: بانک مرکزی و نویسنده

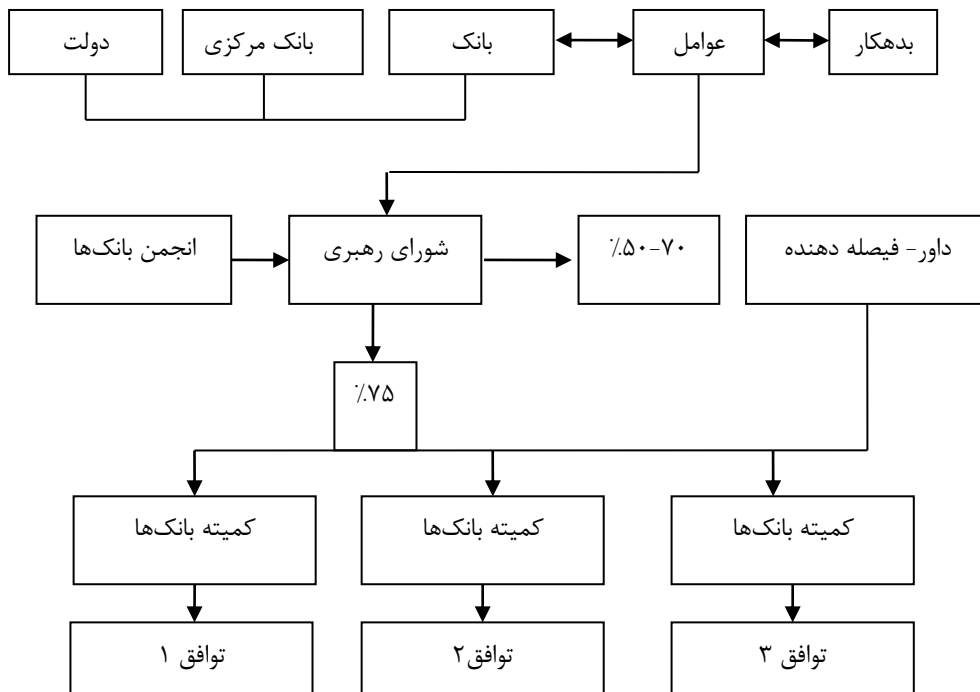
۴. فرایند اجرایی طرح

بستر قانونی انجام این پروژه از اهمیت زیادی برخوردار است. قانون، ارتباط بین بانک و قرض گیرنده را در طول اجرای پروژه تنظیم می‌کند. با توجه به اینکه تجدید ساختارهای مالی و شرکتی به صورت اختیاری انجام می‌شود، وضع قوانین مناسب و مطلوب از اهمیت زیادی برخوردار است. مبنای قانونی این فرایند تجدید ساختاری براساس اصول و قوانین باشگاه لندن و فدراسیون بین‌المللی متخصصان ورشکستگی^۱ می‌باشد. ماهیت اختیاری این فرایند براساس مذاکرات بین بانک و بدهکاران بانکی شامل بنگاه‌ها و افراد حقیقی (خانوارهای برخوردار از وام‌های رهنی) خواهد بود. ساختار سازماندهی فرایند اجرایی شامل اتاق فکر نظارتی تحت رهبری هیئت داوری بانک‌های مونته‌نگرو یا بانک مرکزی مونته‌نگرو می‌باشد. وظایف این مرکز به صورت زیر تعریف می‌شود:

- حمایت فنی و تکنیکی از اجرای طرح‌های تجدید ساختاری.
 - فراهم کردن زمینه لازم برای حضور افراد متخصص و حرفه‌ای در هیئت رهبری.
 - حمایت حرفه‌ای و قانونی از برگزاری جلسات با بانک‌های بزرگ.
 - فراهم کردن موارد قانونی استاندارد برای اجرای فرایند تجدید ساختار.
 - ارائه اطلاعات به سرمایه‌گذاران بالقوه جهت روان شدن جریان منابع.
 - ایجاد مرکز داده قوی در خصوص شرکت کنندگان در فرایند تجدید ساختار.
 - ارائه گزارش سالانه از نتایج طرح.
- هیئت یا شورای رهبری باید در مرکز رهبری ایجاد شود و توسط اتحادیه بانک‌های مونته‌نگرو یا بانک مرکزی منصوب می‌شوند. وظیفه شورای رهبری، تصمیم‌گیری در خصوص پذیرش یا

1. International Federation of Insolvency Professionals

عدم پذیرش مدل تجدید ساختار بدهی وام‌های ویژه می‌باشد. اگر بیش از ۷۵ درصد بانک‌ها با مدل تجدید ساختار بدهی وام خاصی موافقت کنند، نیازی به مطرح کردن آن در جلسه شورای رهبری وجود ندارد. اگر مدل مورد پذیرش بیش از ۵۰ درصد و کمتر از ۷۵ درصد بانک‌ها قرار گیرد، باید در جلسه شورای رهبری نیز مطرح گردد. در این موارد، بانک‌ها از کمیته بانکی برخوردار هستند که در مورد هر مدل تجدید ساختاری تصمیم‌گیری می‌کنند. این کمیته بانک‌های با سهم بالا از نظام بانکی را نمایندگی می‌کند. بانک‌های دیگر بسته به شرایط در جلسات حاضر می‌شوند. ساختار مورد نظر به صورت زیر می‌باشد:



۵. صدور حکم ممنوعیت (عدم فعالیت) موقت

در این زمینه، یک فرصت ۹۰ روزه به بنگاه داده خواهد شد که از نظر ساختاری خود را بازایی نماید. در طول این دوره، تمام تعهدات بنگاه معلق می‌گردد به نحوی که اقدامات اعلام ورشکستگی انجام نخواهد شد، بانک وثیقه‌های بنگاه را به اجرا نخواهد گذاشت، دولت از بنگاه مالیات نخواهد گرفت و سایر تعهدات بنگاه نیز در حالت تعلیق می‌باشد.

بنگاه‌هایی که به صورت اختیاری، فرایند تجدید ساختار را می‌پذیرند، باید از کشش و ظرفیت مناسبی برخوردار باشند. بی‌ثباتی اقتصاد مونته‌نگرو، بانک‌ها را در درک و فهم فعالیت تجاری بنگاه‌ها دچار مشکل می‌کند. مطابق برخی گزارش‌ها، در اثر بحران مالی، بنگاه‌ها آسیب فراوانی را متحمل شدند و تعجب‌آور نخواهد بود که بنگاه‌ها در تشخیص و رفع مشکلات بنگاه‌ها ناتوان باشند. تنها معیار و شاخص مناسب در این زمینه، وام‌های معوق بانکی می‌باشد و در این زمینه، باید بنگاه‌هایی که از نظر عملکرد مالی، وضعیت مناسبی ندارند را جهت انجام تجدید ساختار مشخص کرد که انجام این امر نیز از طریق سازمان حسابرسی حساب‌های مالی یا خود بانک‌ها انجام می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

اقتصاد مونته‌نگرو، اقتصاد کوچکی است که بخش عمده صنایع آن را بنگاه‌های کوچک تشکیل داده است. تعداد خیلی کمی از صنایع، بنگاه‌های متوسط هستند و تقریباً هیچ بنگاه بزرگی وجود ندارد. به دلیل وقوع بحران مالی، اقتصاد مونته‌نگرو آسیب زیادی را متحمل گردید و در مقابل شوکی که باعث ایجاد بی‌ثباتی و افزایش بدهی مالی بنگاه‌ها گردید، مقاومت چندانی نشان نداد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ضرورت دارد که در کوتاه مدت یا بلندمدت واکنش نشان داد و فرایند تجدید ساختار بدهی بنگاه‌ها را در دو مرحله اجرا کرد. از نظر منطقی، در صورتی که با اجرای این فرایند، زمان زیادی از دست برود و نتایج حاصله نیز ناچیز باشد، ضرورتی به اجرای این طرح نمی‌باشد.

شاخص بازایی در جدول ۲ نشان می‌دهد که تجدید ساختار بدهی در سبد وام D از نتایج مناسبی برخوردار بوده است. بنابراین، حل و فصل بدهی در این سبد وام باید به طور همزمان در مورد سبدهای وام B و C نیز بکار گرفته شود. براساس تحقیقات تجربی، می‌توان نتیجه گرفت که

در صورت تجدید ساختار بدهی همه سبدهای وام سررسید گذشته می‌توان حتی نتایج بهتری بدست آورد. اجرای طرح برای حل و فصل سبد وام E نیاز به تحقق پیش شرط‌هایی دارد که براساس آن، در سال ۲۰۱۳ به بانک‌ها مأموریت داده شده است که اسناد دریافتی مربوط به ریسک اعتباری خود را از ترازنامه زیر خط خود به تراز نامه اصلی انتقال دهند.

علاوه بر تجدید ساختار مالی و شرکتی، تجدید ساختار تجاری نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. در این زمینه، استراتژی قرارداد که به وسیله تغییر ساختار مالکیت شرکت صورت می‌گیرد، مطرح می‌شود. براساس این استراتژی، بخش سالم شرکت جدا می‌شود و توسط مدیریت شرکت خریداری یا بازیابی می‌شود.

هیچ پروژه مناسبی تاکنون در مونته‌نگرو برای حل و فصل مشکلات وام‌های سررسید گذشته تاکنون مطرح نگردیده است. اگر چه قوانین بانکی مونته‌نگرو که دلالت بر جمع آوری وام‌های غیرقابل وصول دارد، در دوران اخیر نوشته شده است، ولی از ضعف‌هایی نیز برخوردار است. به عنوان مثال، قانون مربوط به ورشکستگی بانک‌ها، راهکار ساده و مؤثری در نظر نگرفته است که براساس آن، بانک‌ها به سرعت از طریق نظام قضایی، طرح‌های تجدید ساختاری خود (که به تصویب اکثریت بانک‌ها رسیده است) را اجرا کنند و این موضوع می‌تواند مصوبه‌های بانک‌ها را دچار مشکل نماید.

چارچوب قانونی و نهادی لازم جهت جمع آوری اجباری و قانونی وام‌ها، تجدید ساختار بدهی‌ها، تجدید سازمانی شرکت‌ها و جریان نقدینگی بنگاه‌ها به وسیله موارد زیر ایجاد می‌گردد:

- ایجاد زمینه‌های لازم جهت آغاز سریع امور قضایی مربوطه.
- اصلاح قوانین مالیاتی جهت حذف مواد ضدانگیزی تولید و معرفی مشوق‌های مالیاتی (شاید برای مدت زمان محدود) برای حل و فصل وام‌های معوق.
- تعیین مجموعه‌ای از اصول کلی جهت راهنمایی و هدایت عوامل شرکت کننده در فرایند حل و فصل وام‌ها مطابق چارچوب اصول لندن و فدراسیون بین‌المللی متخصصان ورشکستگی.
- ایجاد نظام کارآمد جهت حل و فصل سریع اختلافات احتمالی بین بانک‌ها و بدهکاران بانکی در فرایند حل وام‌های معوق.

فلسفه نظری طرح اجرا شده در پودگوريسا براساس این نکته بنا نهاده شده است که باید به بنگاه‌های مسئول فرصتی داده شود تا امور مربوط به کسب و کار خود را سامان داده و از جریان درآمدی باثبات برخوردار گردد. در اثر اجرای صحیح و کامل این فرایند، همه فعالان اقتصادی از منافع آن بهره‌مند خواهند گردید. بانک‌ها می‌توانند بخش عمده‌ای از بدهی‌های خود را دریافت کنند، دولت به واسطه وجود بنگاه‌های با درآمد باثبات می‌تواند درآمد مالیاتی بیشتری کسب کند و بانک مرکزی از یک نظام مالی باثبات برخوردار خواهد بود که در اثر آن، ریسک سیستماتیک اقتصاد نیز کاهش می‌یابد و بنگاه‌ها نیز از خطر ورشکستگی رهایی خواهند یافت.

قانون ورشکستگی در مورد افراد حقیقی نیز باید اصلاح گردد و براساس آن، به این افراد فرصتی داده شود تا با تقویت جریان درآمدی خود بتوانند بدهی‌های خود را پرداخت کنند. آموزش افراد حقیقی در فرایند تجدید ساختاری بدهی خود از اهمیت خاصی برخوردار است.

منابع

- Decision on Minimum Standards for Credit Risk Management in Banks.
- Demiguc-Kunt,E.,Gupta,D. and P. (2000), *Inside the Crisis: An Empirical Analysis of banking Systems in Distress*,Washington,DC:World Bank Policy Research, Working Paper No.156.
- Diwan,I. and Rodrik, D. (1992), *Debt Reduction,Adjustment Lending and Burden Sharing*, NBER Working paper, No.4007.
- Draganca,D. (2013), *Pojam I oblici korporativnog upravljanja*, Preuzeto sa: <http://www.ekof.bgac.rs>
- Fabris, N.i ZUGIC,r. (2013), *Koordinacaija monetarne I fiskalne politike u Crnoj Gori*, Ekonomske ideje I praksa br.8,str.53-64.
- Goldstein,M. and Weatherstone, D. (2001), “Implication of Earley Warning Models of Crisis”, *Paper prepared for KDIC International Fininical Symposium on*, The Fininical Crisis and Beyond, Seoul, Korea.
- Josef,R.end Jiri,J. (2014), “Corpotate & SMS Risk Competencies”, *ABCADASTRA BUSINESS CONSULTING*,Version:1,0.
- Passamonti,L. (2013), “Mapiranje oporavka nekvalitetnih kredita u Crnoj Gori projektni zadatak”, *The WORLD BANK*, (FINSAC), Module:4.
- Zaini Abd Karin, M.,chan Sok, Gee,C.and Sallahudin,H. (2010), “Bank Efficiency and Non- performing Loans: Evidence from Malaysia and Singapore”, *Prague Economic papers*, No.2.